

Abstract:

In addition to deciding imprisonment, it is important to consider the results of such decision. The family of the convicted is the most significant entity that is negatively impacted by such a punishment. This research was a basic-theoretical study. Extrajudicial, judicial, and underjudicial resolutions in Iran can be reviewed in terms of legal considerations. Given the philosophy of Islamic punishment in Islamic penal policy, punishment is described attracting expediency and repelling evil, and the foundation of such laws is nothing more than jurisprudential laws. The findings showed that Islamic penal policy, which serves as a model of theological penal policy as opposed to western penal policy, which is a nontheological penal policy, outperforms in addressing the detrimental effects of imprisonment on the family of the convicted. Accordingly, despite its importance in Islamic penal policy, imprisonment does not have an irrevocable priority, and there are alternatives to imprisonment depending on the circumstances. given the importance of the role of the family in providing necessary performance in educating individuals on the one hand, and the possibility of family dissociation as a result of various factors including imprisonment on the other, laws of imprisonment can be established, issued, enacted while considering family consolidation.

Keywords: Family, Imprisonment, Alternatives to Imprisonment, Imprisonment Removal-lagislative policy

سیاست تقنینی و قضایی ایران در قبال کیفر حبس و اثر بخشی آن بر نهاد خانواده

زهره اسلامی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵عاطفه عباسی کلیمانی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده:

در راستای تعیین کیفر حبس، باید به آثار ناشی از تعیین این مجازات توجه داشت. مهم ترین نهادی که از اجرای این کیفر آسیب می بیند، نهاد خانواده محکوم علیه است. این پژوهش یک تحقیق بنیادی نظری است. با توجه به فلسفه مجازات اسلامی در سیاست جنایی اسلام، مجازات به منظور جلب مصلحت و دفع مفسده تشریح شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که سیاست جنایی اسلام به عنوان یک مدل سیاست جنایی دینی، در برابر سیاست جنایی غربی به عنوان یک مدل سیاست جنایی غیر دینی، خود، پیشگام توجه به آثار منفی کیفر حبس بر خانواده محکوم علیه بوده و بر این اساس، کیفر حبس، به رغم اهمیت در سیاست جنایی اسلام، اولویت غیر قابل انصراف ندارد و امکان اعمال جایگزین های حبس با لحاظ شرایطی، وجود دارد. سوال اصلی این است که احکام و تعالیم اسلامی پیرامون کیفر حبس چه رویکردی دارند و همچنین مصوبات قانونی موجود در کشور در جهت حبس زدایی چه رویکردی را اتخاذ کرده اند. در این پژوهش پیشنهاد می شود که با توجه به نقش خانواده در جهت تامین کارکردهای بایسته تربیت فرد و، تصور فروپاشی آن توسط عوامل مختلف نظیر کیفر حبس، می توان تقنین، صدور و اجرای حکم حبس را در راستای تحکیم این نهاد سوق داد.

کلیدواژه‌ها: خانواده-حبس-جایگزین حبس-حبس زدایی-سیاست تقنینی

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

Z110.eslami@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

atefehabbasi@gmail.com

در مقابله با اعمال مجرمانه فرد بزهکار، باید واکنش کیفری متناسب با هدف بازگرداندن تعادل و نظم به جامعه و اصلاح فرد بزهکار اعمال گردد. از جمله کیفرهایی که بر بزهکار بار می‌شود، حبس می‌باشد که در بستری به نام زندان تحقق می‌یابد. در تعالیم اسلامی بنیان خانواده در جایگاه بسیار رفیعی قرار دارد؛ در بینش توحیدی، از هم گسیختگی خانواده، به مثابه خدشه و از بین رفتن نظم و امنیت کل جامعه می‌باشد. بنابراین ضروری است که در این خصوص و بر طرف نمودن آسیب‌های آن اقداماتی صورت گیرد.

با توجه به اینکه در شریعت اسلام به بنیان خانواده بسیار اهمیت داده شده است و در واقع براساس این تعالیم چنانچه خانواده نابود شود جامعه نیز دچار ویرانی خواهد شد شایسته است در این خصوص راهکارهایی را ارائه کرد. بنابراین می‌توان بیان کرد حکم به کیفر حبس برای افراد کم‌خطر که جرایم کوچک انجام داده‌اند و یا جرم غیر عمدی را مرتکب شده‌اند، مناسب نمی‌باشد. مجازات از باب رحمت از طرف خداوند تشریح شده است و در نتیجه کسی که بزهکاران را به علت ارتکاب گناه مجازات می‌کند، با هدف احسان به ایشان باشد. لذا، می‌توان گفت که مجازات حبس در دین اسلام مجازات اصلی محسوب نمی‌شود؛ و تنها به‌عنوان یکی از مصادیق تعزیر، است و هدف اصلی این مجازات اصلاح و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم است. در جایی نیز که حبس به‌عنوان مجازات به‌کار رفته، از باب ضرورت بوده است. براساس دیدگاه فقهای امامیه، کیفر حبس به‌عنوان ضمانت اجرای شرعی، جز در مواقع کاملاً استثنایی، جایگاهی ندارد (طبسی، ۱۴۲۷: ۱۶).

با توجه به پیامدها و تاثیر کیفر حبس بر فرد و خانواده، باید تاثیرات کیفر حبس بررسی شود. برخی اصول حاکم بر نظام خانواده بر افراد و اعضای خانواده تاکید دارد. به عبارت دیگر، این اصول، اعضای خانواده را در بستر فردی مورد توجه قرار می‌دهد و قواعد حاکم بر رفتار آنان را بررسی می‌نماید. اصل حاکمیت اخلاق بر خانواده، اصل استقلال، اصل آزادی، اصل مسئولیت و اصل تحفظ و حمایت از اصول مهم در این حوزه به‌شمار می‌رود. کیفر حبس به‌طور مشخص و بارزی در تنافی با این اصول بوده و آنها را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. از جمله این اصول اصل حاکمیت اخلاق بر خانواده که کیفر حبس مانع اجرای این اصل مهم در خانواده می‌باشد، کیفر حبس، اصل استقلال زندگی زن و شوهری را که باید به‌طور مشترک در کنار هم زندگی کنند، سلب کرده و دچار خدشه می‌کند. همچنین، اصل حمایت از خانواده نیز با کیفر حبس، دچار تزلزل شده و دچار افسارگسیختگی می‌شود؛ چراکه این نهاد توسط دولت به‌عنوان تنها محیط آرامش برای اعضا و تربیت یک نسل مسئولیت‌پذیر، مورد حمایت قرار می‌گیرد و حتی در راستای حفظ کیان خانواده قانونگذار به‌درستی در قانون حمایت خانواده به وضع کیفر برای جرایمی چون عدم ثبت نکاح، امتناع از پرداخت نفقه، عدم رعایت قوانین در ارتباط با حضانت فرزندان پرداخته است. از آنجاکه اعمال رویکرد واحد و واکنش کیفری واحد برای تمامی حوزه‌ها و مسائل کیفری مناسب نمی‌باشد، بنابراین قانونگذار باید با توجه به تمامی آسیب‌های کیفرها به قانونگذاری بپردازد.

در این پژوهش، محقق بر آن است که به حفظ مصالح جامعه با رویکرد خانواده‌محور بپردازد و آثار نامطلوب حبس بر نهاد خانواده در سه مرحله صدور و تقنین حکم حبس، مرحله قضایی و اعمال حکم حبس (در حوزه جرایم تعزیری) و در نهایت مرحله اجرای حکم حبس تبیین نماید؛ و در واقع چنانچه خانواده اصلاح شود از وقوع جرایم پیشگیری می‌گردد. بنابراین باتوجه به آثار نامطلوب کیفر حبس بر نهاد خانواده، تحقیق حاضر در صدد ارائه دیدگاهی بینابین خواهد پرداخت با این تفصیل، اگرچه براساس قداست نهاد خانواده، جرم انگاری در نگاه نخست کیفری امری موجه تلقی می‌شود اما از آنجا که خانواده کانونی است اولاً براساس محبت و عشق طرفین، و ثانیاً حریمی است خصوصی و محرمانه، بنابراین باید سیاست خاصی هم در خصوص مسائل و مشکلاتش گرفته شود و شاید بتوان گفت دخالت حکومت، باید به صورت سیاستی افتراقی و در حد لازم برای حل مشکلات باشد، به طوریکه نتایج ناشی از ادامه رفتار ارتكابی اعضای خانواده، به طرق دیگری قابل جبران نباشد. این دیدگاه با عدالت ترمیمی و اصل احتیاط نیز سازگار خواهد بود و در نهایت با ارائه ضعف‌های نظام دادرسی در زمینه حکم حبس در نهاد خانواده، به ارائه یک نظام دادرسی مطلوب در راستای تقویت نهاد خانواده (براساس سیاست‌های مقام معظم رهبری) بپردازد. از آنجا که در دین مبین اسلام خانواده دارای ارزش و اعتبار والایی می‌باشد عموماً در حل اختلافات قضایی در یک نظام دینی کیفر حبس در موارد خاصی توصیه و حکم داده شده است. رویکرد حبس زدایی در نظام عدالت کیفری در بردارنده مفاهیم مشابهی است که که سرلوحه تدوین آثار پژوهشی چندی در این خصوص شده است.^۳ در این قبیل آثار آنچه به دست آمد، این است که تحقیقات صورت گرفته، عمدتاً و صرفاً

۳الف) بررسی پیامد مجازات زندان سرپرست خانواده بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده شهر اهواز در سال ۱۳۹۰، نگارش ابوالقاسم فاتحی و همکاران، نشریه توسعه اجتماعی، زمستان ۱۳۹۰، دوره ششم، شماره ۲

نگارندگان در تحقیق مزبور، صرفاً به این نکته اشاره کرده‌اند که کیفر حبس، آثار مستقیم سوئی بر تحکیم نهاد خانواده دارد.

ب) بررسی تاثیر حبس در افزایش طلاق در شهر بوشهر، نگارش سودابه سلیمانی و همکاران، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، پاییز ۱۳۹۵، سال دوم، شماره ۳

نگارندگان در تحقیق مزبور، به تاثیر مستقیم آثار کیفر حبس بر ازدیاد طلاق اشاره کرده است.

ج) بررسی فقهی و حقوقی امکان‌سنجی الغای مجازات حبس در جرایم علیه کیان خانواده، نگارش محمدرضا حائری‌زاده حریمی و همکاران، نشریه جستارهای فقهی و اصولی، زمستان ۱۳۹۵، سال دوم، شماره ۴

نگارندگان در تحقیق حاضر، به این امر اشاره کرده است که با توجه به مفاسد و آثار کیفر حبس، امکان اعمال مجازاتی غیر از کیفر حبس در حوزه جرایم خانوادگی در رویکرد قانون‌گذار قرار گیرد.

د) تاثیر مجازات حبس بر خانواده‌های زندانیان مواد مخدر: مطالعه موردی زندان قزل‌حصار از سال ۹۰ تا ۹۵، نگارش امیرحسین نجاری، دانشگاه علم و فرهنگ.

نگارنده به تاثیر حبس سرپرست خانواری که مرتکب جرم مواد مخدر شده است بر خانواده بز هکار پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که کیفر حبس تاثیرات مخرب و مستقیمی بر فروپاشی چنین خانواده‌هایی دارد.

به تاثیر آثار سوء حبس بر نهاد خانواده سخن گفته‌اند حال آنکه نگارنده، تلاش نموده است که ابتدا مبانی کیفر حبس به ویژه در تقنین و صدور و اجرا در اسلام و تعیین ضوابط آن در قانون اشاره کند و سپس به بیان آسیب شناسی کیفر حبس بر نهاد خانواده بپردازد. در نتیجه، موضوع مزبور، دارای نوآوری می‌باشد.

جایگاه حمایت از خانواده محکوم در اجرای جایگزین های حبس

یکی از پیامدهای زندان ایجاد مشکلات روانی و عاطفی برای زندانی و اعضای خانواده وی به ویژه کودکان است. جدایی از خانواده و قطع ارتباط با آنان هم برای زندانی و هم برای خانواده وی بسیار دردناک و تأسف آور است و آنان را دچار مشکلات عاطفی و روانی فراوانی می‌سازد. یکی از علل بروز مشکلات عاطفی و روانی برای زندانی و خانواده وی، عدم وجود ارتباط مستمر در طول مدت حبس می باشد. حق ارتباط با خانواده نه تنها حق زندانی بلکه متقابلاً حق خانواده وی نیز است. این حق در اشکال مختلف ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی، پست الکترونیک و غیره نمود پیدا می‌کند. لیکن امروزه زندان به جای آنکه روابط زندانی و خانواده اش را تسهیل کند، آن را تضعیف می‌کند. زیرا مکان و موقعیت جغرافیایی زندان ها، محدودیت های ملاقات و هزینه های ملاقات منجر می شود اکثر زندانیان ملاقات کننده کمی داشته باشند و این امر منجر به بروز مشکلات عاطفی و روانی برای زندانی و خانواده وی می گردد. یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی مجازات حبس، متلاشی شدن کانون خانوادگی و تزلزل آن است. در حقیقت از آثار سوء کیفر حبس بر نهاد خانواده طلاق و جدایی همسر مجرم می باشد. چراکه فشار های همه جانبه بر زن به عنوان سرپرست خانواده بعد از همسر محکوم به حبسش باعث ایجاد مشکلات فروان شده و در نتیجه منجر به طلاق زن از همسرش می شود. طلاق و جدایی مخصوصاً در مواردی که محکوم به حبس های طولانی مدت و یا ابد باشد بیشتر اتفاق می افتد تا زن بتواند خود را از این بلا تکلیفی خارج نماید. بنابراین کاملاً مشخص می شود که کیفر حبس نتیجه ای بجز از بین رفتن کانون خانواده با خود به همراه ندارد. همچنین از سوی دیگر زندان موجب طرد شدن فرد محکوم از سایر محیط های اجتماعی میشود. درحقیقت بعد از به پایان رسیدن کیفر حبس آثار سوء این کیفر بر فرد محکوم و خانواده اش تحمیل می شود، چراکه اغلب اطرافیان از جمله دوستان و آشنایان نسبت به مجرم دید منفی داشته و به مجرم و خانواده اش بی توجهی نشان میدهند، تا جایی که به طور کامل با آنها قطع ارتباط می کنند. همین مسئله موجب می شود مجرم به جای عبرت و پشیمانی از جرم خود، حس انتقام جویی را نسبت به جامعه در خود پرورش دهد و مجدد جرم دیگری را مرتکب شود.

همچنین زندانی شدن شخص موجب ایجاد مشکلات اقتصادی، ارتباطی، حیثیتی، تحصیلی و شغلی برای خانواده و فرزندان آنها می‌گردد. در تمامی کشورها تقریباً بیشتر خانواده‌های زندانیان با مشکلات مالی مواجه هستند. محکومین جرم شناس بیان می‌کنند که برای بسیاری از خانواده‌ها زندان به معنی از دست دادن منبع درآمد مالی آنها است خواه این منبع درآمد قانونی باشد و خواه غیر قانونی باشد. بسیاری از خانواده‌های زندانیان بر اثر فشارهای اقتصادی ناشی از زندانی شدن سرپرست خانواده دچار مشکلات اقتصادی می‌گردند. معمولاً خانواده مجرمان کار مناسب خویش را پیدانمیکنند و در یافتن و اجاره مسکن دچار مشکلات زیادی می‌شوند.

یکی از مواردی که شایسته است قانونگذار به وضع سیاست‌های و واکنش کیفری مناسب و خاصی همت گمارد در خصوص نهاد خانواده و مسائل آن می‌باشد. شایان ذکر است قانونگذار به درستی با وضع قانون حمایت خانواده ۹۱، قدم در تحقق این امر نهاده است و سیاست کیفری خاصی را اعمال کرده است؛ مانند ایجاد دادگاه‌های ویژه مشکلات خانواده و الزام به حضور مشاور زن در این دادگاه و حق زوجه برای طرح دعوا در محل اقامت خویش؛ لیکن این روند، اما این امور کافی نمی‌باشند و نیازمند اقدامات سازنده دیگری می‌باشد. همچنین شایان ذکر است با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری می‌توان ادعا کرد که نظام کیفری باتوجه به آثار سوء کیفر حبس میل به کاهش این کیفر داشته که در خصوص نهاد خانواده و با توجه به جایگاه آن، می‌توان احکام کیفری دیگری را جایگزین حبس کرد.

مصوبات مرتبط با قوانین حبس

ماده ۳ آیین‌نامه زندانها در تعریف زندان مقرر داشته است: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامهای صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل حبس، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری، بازسازی نگه‌داری می‌شوند». محکومیت به کیفر حبس دارای ماهیت کیفری و آثار حقوقی می‌باشد. (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۲۷) علمای حقوق جزا عقیده دارند که مجازات حبس، به معنی منصرف کردن شخص بزهکار از انجام دوباره جرم یا منصرف کردن سایر افراد جامعه است (تحقق پیشگیری عام یا عمومی)، و باید باعث اصلاح و تربیت دوباره بزهکاران باشد. پس هدف از حکم به مجازات زندان، تنها اعمال رنج و عذاب بر فرد نیست، بلکه تضمین‌کننده امنیت جامعه می‌باشد، اما آنچه اتفاق می‌افتد برخلاف هدف موجود بوده و مشکلات متعددی را برای فرد زندانی ایجاد می‌کند و بنابراین زندان که در واقع واکنش کیفری در مقابل فرد مجرم است مکانی برای یادگیری انواع جرم‌های دیگر نیز می‌شود و زندان محیطی می‌شود برای یادگیری و تکرار جرم علی‌الخصوص برای بزهکاران بدون سابقه که این امر از دلایل اصلی برای جایگزین کردن مجازات‌های دیگر است.

از جمله مواردی که در این پژوهش، مورد تاکید و بررسی قرار می‌گیرد، مصوبات زیر می‌باشد:

۱- بند ۱۴ سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری: بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

۲- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی ایشان در بند ۶۳: بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی.

۳- بند ۶۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرایم.

۴- ماده ۳۸ قانون احکام دائمی توسعه کشور: الف) قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیش‌گیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها و جرایم، جایگزین کردن ضمانت اجرای غیرکیفری موثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح مورد نیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

۵- ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه: به منظور افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضائی، تحقق عدالت قضائی و احیای حقوق عامه، ارتقای کیفیت و کاهش اطاله دادرسی و ایجاد فرصت برابر برای دسترسی آحاد مردم به خدمات قضائی و کاهش ورودی پرونده‌ها و پیش‌گیری از وقوع جرم و دعاوی و اصلاح مجرمان و کاهش جمعیت کیفری. در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزائی و با هدف کاهش عناوین مجرمانه قوه قضائیه مکلف است به منظور بازنگری در مصادیق عناوین مجازات‌های سالب حیات با توجه به تغییر شرایط، کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از ضمانت اجرای انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم، نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین جزائی با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن اقدام و حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه اقدامات قانونی مورد نیاز را به عمل آورد.

۶- سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص نهاد خانواده: خانواده واحد بنیادی و سنگ‌بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسانو پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به:

۱- ایجاد جامعه‌ای خانواده محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش

۲- محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.

۳- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.

شایان ذکر است توجه قانونگذار به حراست از کیان خانواده، در دو دسته از قوانین عادی و فراتقنینی (قانون اساسی) وجود دارد در قانون اساسی در اصول ۱۰-۲۱ به اصولی در خصوص نهاد خانواده توجه شده است و مقرراتی در جهت آسان شدن شرایط تشکیل نهاد خانواده و حفاظت از آن بر پایه اخلاق و قوانین و مقررات، همچنین تشکیل دادگاه صالح برای حل و فصل دعاوی خانوادگی به منظور حفظ کیان خانواده پیشبینی شده است. در قوانین عادی، قوانین بسیاری در خصوص حقوق خانواده نگاشته شده است این قوانین خانواده مصوب سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ می باشند، که به صورت خاص در ارتباط با خانواده تدوین شده است. بنابراین با توجه به ماهیت ویژه روابط خانواده و بنیان های این کانون که براساس اعتماد طرفین می باشد و ویژگی محرمه بودن این روابط، قانونگذار باید حین قانونگذاری، به این حوزه توجه عمیق تری مبذول دارد.

آنچه که تا به حال، مد نظر قانون گذار بوده است، این نکته است که صرفاً به کاهش کیفر حبس بدون لحاظ کردن جنبه‌های دیگر اجتماعی و فرهنگی پرداخته و در قانون مجازات اسلامی، به نهادهای جایگزین حبس پرداخته و فقط در مرحله تقنین، به کاهش کیفر حبس نظر داشته است. اما با نگاهی جامع تر و دقیق تر، به این نکته می‌رسیم که اولاً؛ قانون گذار باید به آثار سوء حبس نسبت به نهاد خانواده نظر داشته باشد و اولویت اصلی حبس‌زدایی را به نهاد خانواده معطوف سازد. ثانیاً؛ ضمن تحقق هدف حبس‌زدایی و در کنار آن، توجه به نهاد خانواده، پا را از مرحله تقنین فراتر گذاشته و به مرحله صدور حکم نیز نظر داشته باشد تا مشکلات این مرحله نیز در راستای کاستن از مشکلات نهاد خانواده در ارتباط با کیفر حبس صورت پذیرد. ثالثاً؛ با توجه به این‌که هنوز، در مرحله اجرای حکم به مجازات‌های جایگزین حبس، ساز و کارهای آن به صورت کامل فراهم نشده است، به مرحله اجرای حکم نیز در راستای کاهش کیفر حبس در ارتباط با نهاد خانواده از هیچ کوششی دریغ نوزد.

بهره برداری از کارکردهای نهاد خانواده در اجرای جایگزین های حبس

فردی که در خانواده اولیه و هسته ای به سر می برد و یا خود اقدام به تشکیل خانواده شخصی خود می نماید، علقه ها و پیوندهای عاطفی خاصی با اعضای خانواده خود برقرار می سازد. این علقه ها، خود بخود در بسیاری از موارد، اثر و کارکرد پیشگیرانه از جرم دارند. از کارکرد و اثر همین علقه ها و پیوندها می توان در فرضی که به دلیل ارتکاب جرم، قرار است ضمانت اجرایی نسبت به مرتکب جرم به اجرا درآید، بهره برد. اجرای مجازات زندان به دلیل آنکه فرد، به صورت موقت و یا حتی دائم، ارتباط خود با اعضای خانواده اش را از دست می دهد، طبعاً و منطقاً خالی از این آثار و کارکردها می تواند فرض گردد.

در مقابل، جایگزین‌های حبس که حتی می‌توانند از طریق حفظ ارتباط مستمر مرتکب جرم با اعضای خانواده اش به اجرا درآیند و حتی می‌توانند در محیط خانه و در کنار اعضای خانواده وی اعمال شوند، طبیعتاً بسیار بهتر از مجازات زندان می‌توانند ظاهر شوند. در حقیقت، این ادعا که می‌توان مجازات‌ها را به شکلی غیر از نگهداری در محبس‌ها و زندان‌ها و بی‌آنکه نیاز به قطع ارتباط موقت یا دائم مجرم با اعضای خانواده اش باشد به اجرا درآیند، ادعای گزافی نیست و نگاه به تحولات تقنینی و اجرایی و قضایی در بسیاری از کشورها این ادعا را به اثبات رسانده است. در حقیقت، طرح مفهوم جایگزین‌های حبس، از جمله مبتنی بر این مولفه است که می‌توان از کارکردهای نهاد خانواده برای اصلاح و درمان و بازپروری مجرم بهره برد. لذا بی‌آنکه نیازی به نگهداری مجرم در محیط آلوده زندان باشد، می‌توان همچنان با حفظ ارتباط وی با خانواده اش، ضمانت‌اجراهای قانونی را نسبت به وی به اجرا درآورد. لذا علاوه بر کارکردهای حمایتی (مادی، اقتصادی، معیشتی و عاطفی، روانی) و اصلاحی که به طور کلی برای نهاد خانواده منظور است، در فرض اجرای جایگزین‌های حبس نسبت به فرد محکوم نیز خانواده وی می‌توانند به بهترین وجه، این کارکردها را جلوه‌گر سازند. اساساً اعتقاد کسانی که جایگزین‌های حبس را سازوکار بهتری از مجازات زندان برای اصلاح و درمان و بازپروری مجرم می‌دانند، این است که کنترل اجتماعی رفتارهای مرتکب جرم، فقط از طریق اجرای ضمانت‌اجراهای رسمی (مجازات‌ها سزاگرا و سایر اقدامات به عمل آمده توسط قوای عمومی) به عمل نمی‌آید بلکه می‌توانند از طریق سازوکارهای غیر رسمی (نظیر خانواده، اجتماع، نهاد مدنی و ...) هم به اجرا درآیند.

علاوه بر این، توجه به وضعیت خانوادگی فرد مرتکب جرم و علقه‌ها و روابط عاطفی و روانی وی با اعضای خانواده اش، هنوز آنچنان که باید و شاید در میان قضات کشور، به موضوعی غیر قابل تردید و مورد عنایت کافی تبدیل نشده و گویا هنوز در این باره، تردیدها و تشکیک‌هایی وجود دارد. در واقع، بر خلاف همه مصوبات لازم‌الاجرا در کشور در زمینه حبس‌زدایی و گرایش به مجازات‌های جایگزین حبس از جمله مصوبات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی، در زمینه اجرا و اعمال راهبردها و سازوکارهای پیش‌بینی شده در زمینه صدور و اجرای جایگزین‌های حبس، نقص‌های جدی را شاهد هستیم.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد باید مصوبات با قدرت اجرایی و الزام‌آوری بیشتر در نظام حقوقی کشور ما به تصویب برسد. آموزش قضات و دست‌اندرکاران دادسراها و محاکم کشور و فرهنگ‌سازی در زمینه گرایش به جایگزین‌های حبس و حبس‌زدایی، در این باره بسیار می‌تواند راهگشا باشد. از سوی دیگر، قضات و تصمیم‌گیران در مراجع قضایی کشور باید در زمینه توجه به مسائل و وضعیت خانوادگی مرتکب جرم در مرحله صدور و اجرای مجازات‌ها نیز آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

برخی از مصادیق جایگزین‌های حبس، اصولاً بدون حضور خانواده و محیط خانه، قابل اجرا نیست نظیر آزادی مشروط، حبس خانگی و ... در واقع در چنین راهبردهایی، مجازات و یا دیگر ضمانت‌اجراهای قانونی یا قضایی که به عنوان پاسخ به بزهکاری در نظر گرفته می‌شوند، با محوریت خانواده و با استفاده از فضای خانه و از طریق

حفظ ارتباط فرد محکوم با اعضای خانواده اش می توانند و باید به اجرا درآیند. در دیگر جایگزین ها نیز از آنجا که نگهداری فرد محکوم در محیط زندان و دور از خانه و خانواده اش، دیگر موضوعیت و محمل اجرا ندارد، می توان ضمانت اجراهای قانونی و قضایی را در ضمن حفظ و تقویت ارتباط فرد محکوم با خانواده اش به اجرا گذاشت.

اصولاً در تبیین ضرورت تعیین و اجرای جایگزین های حبس، یک محور اصلی مطرح نزد نظریه پردازان این امر، آن بوده که حتی الامکان فرد محکوم، در خلال ارتباط همیشگی اش با اعضای خانواده و محیط کاری اش، دوران محکومیتش را نیز طی کند. چنین راهبردی، این احساس را در فرد محکوم به وجود می آورد که جامعه در صدد طرد و ترک و اخراج او نیست بلکه در نظر دارد اولاً اصلاح و درمان و بازپروری او را تحقق بخشد و بنابراین، هدفش از اجرای مجازات یا دیگر ضمانت اجراها سزاگرایی صرف نیست و ثانیاً تأکید دارد که مسیر اصلاح و درمان و بازپروری او از طریق خانواده و با پشتوانه کارکردهای عاطفی و روانی خانواده وی طی شود. بنابراین، یکی از پشتوانه های اصلی و اساسی پیگیری رویکرد حبس زدایی و گرایش به جایگزین های حبس، اتکا به کارکردهای خانواده نسبت به فرد محکوم است.

در حقیقت، خانواده فرد محکوم به حبس - بر فرض وجود - مهم ترین نهادی است که از زندانی شدن فرد، آسیب می بیند و دچار مضرات ناشی از آن می شود. اساساً یکی از مهم ترین نقدهای وارد بر مجازات زندان، آثار سوئی است که برای خانواده فرد زندانی به همراه دارد. این قبیل آسیب ها در ادبیات جرم شناسی و کیفرشناسی امروزی، تحت عنوان «هزینه های عاطفی زندان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. در عین حال، علاوه بر هزینه های عاطفی، اصولاً فقدان یا عدم حضور والدین به ویژه در خانواده های ایرانی که فرزندان، معمولاً استقلال مالی ندارند و تحت تکفل والدین خود هستند، هزینه های اقتصادی و معیشتی نیز برای اعضای خانواده و فرزندان به دنبال دارد. بنابراین، به هیچ وجه نمی توان از ابعاد مضر و مخرب اقتصادی مجازات زندان نیز چشم پوشید.

حتی در اندیشه ها و رویکردهای اسلامی که در فقه امامیه به عنوان مهم ترین منبع قانونگذاری شرعی در کشور ما شناخته می شود نیز لحاظ وضعیت خانواده فرد، در تعیین و صدور و اجرای کیفر زندان، یکی از مولفه ها و معیارهای موردنظر و غیر قابل اجتناب است به نحوی که در رویکرد بسیاری از فقها که برگرفته از رویکرد پیشوایان دینی است هم نسبت به کارکردهای مثبت مجازات حبس به ویژه به سبب آسیب ها و مضراتی که برای خانواده فرد محکوم به دنبال دارد، تردید شده است. در گذشته نیز کیفر حبس در بیشتر کشور ها به عنوان مجازات اصلی بوده است. امروزه این کیفر بر عکس عمل کرده و جرمزدایی را افزایش داده است. بنابراین با توجه به اثرات سو و نامناسب کیفر حبس و هزینه های گزاف اقتصادی و اثرات نامناسب بر خانواده مجرم و خود فرد و غیره، در اکثر کشور های دنیا عقایدی مبنی بر حبس زدایی و استفاده از جایگزین های آن صورت گرفته است.

بنابراین، توجه به آثار و عواقب ناگوار و مخربی که صدور و اجرای کیفر حبس بر خانواده محکوم به حبس در پی دارد، به شدت موثر بوده است. در مورد عوامل عملی و نظری موثر بر طرح جایگزین های حبس که از دهه ۱۹۶۰ تاکنون صورت گرفته است. که این عقاید حبس زدایی به دلیل مشکلات اقتصادی کیفر حبس بر مجرم و دولت و همچنین مشکلات روحی بر خانواده مجرم و ... بوده است.

به دلیل مضرات و معایبی که کیفر زندان برای خانواده فرد محکوم به حبس در پی دارد، امروزه در مشروعیت و مقبولیت و کارکردهای مثبت این مجازات، تردید جدی وارد شده به همین دلیل، آنچه امروزه بیش از اجرای مجازات حبس، مد نظر است، اجرای جایگزین های حبس است. از اثرات زندانی شدن مجرم می توان آثار نامناسب و همه جانبه معنوی و مادی را که بر فرد و خانواده اش بار می شود را نام برد. بنابراین کیفر حبس با اصل مهمی از حقوق کیفری بنام اصل شخصی بودن مجازات تعارض دارد. در برخی موارد زندان به عنوان «داروی بدنی از درد» تعبیر می شود. بیشترین اثر کیفر حبس زمانی است که مجرم دارای خانواده باشد که حتی می توان بیان کرد بالاترین اثر سو نسبت به فرزندان فرد مجرم می باشد. از موارد بسیار مهم فشار اقتصادی است که بر خانواده فرد مجرم وارد می شود. طبیعتاً زن خانواده در غیاب همسرش عهده دار مخارج زندگی است و اگر خود زن و فرزندان برای بدست آوردن مخارج زندگی دچار جرم نشوند در خوش بینانه ترین حالت نگاه تحقیرآمیز آشنایان و اطرافیان به علت کمک های مالیشان نسبت این خانواده خواهد شد و در عمل این خانواده ارزش و اعتبار اجتماعی خویش را از دست می دهند.

نکته ای که باید اضافه کرد اینکه هرچند سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی متأثر می شود ولی در عمل، این دو کاملاً منطبق با یکدیگر نیستند. بدین ترتیب، با اینکه مجازات های جایگزین حبس، در قوانین کیفری فعلی و به ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب و به رسمیت شناخته شده اند، لیکن در عمل، هنوز آنچنان که باید و شاید، مورد توجه قضات نیستند و لذا ایشان، در حد محدودی اقدام به تعیین و اجرای این قبیل ضمانت اجراها نسبت به مرتکبان جرم می کنند و گویا کیفر حبس، همچنان یکی از پرطرفدارترین مجازات ها در میان قضات است. بر همین اساس، سیاست جنایی قضایی، اندک تحولات تقنینی در زمینه شناسایی رسمی مجازات های جایگزین حبس را با معضل روبرو می کند. اگر هم اندک تمایلی به استفاده از جایگزین های حبس وجود دارد، بیشتر به صورت تعیین و اجرای کیفر جزای نقدی است که به ویژه می تواند یکی از زمینه های درآمدزایی برای دولت نیز به شمار آید.

برخی از فقهای معاصر و مراجع عظام تقلید، به مضرات مجازات زندان به خوبی واقفند و رویکرد آن ها در جایگزینی مجازات های دیگر، در آراء و فتاوی آن ها مشهود است. نمونه های آشکاری از این نگاه بالنده را قبلاً در ارتباط با حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(حفظه الله تعالی) و نیز مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی مطرح کرده ایم. به نظر می رسد به کارگیری زندان در خصوص اکثر جرایم در واقع عمل کردن برخلاف

سیاست کیفری دین اسلام و در واقع اجرای سیستم غربی است، چرا که در سیستم کیفری اسلامی جز در موارد محدود به کیفر حبس حکم داده نخواهد شد و بیشتر از جایگزین های مناسب کیفر حبس حکم داده می شود.

اساساً نفس تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مثابه قانونی که برای نخستین بار، مجازات جایگزین حبس را به عنوان بخشی از ضمانت اجراها و واکنش ها نسبت به برخی جرائم پذیرفته، به خودی خود، گویای نگاه فقهی مثبت نسبت به این مجازات ها در نظام حقوقی کشور ماست. در واقع، از آنجا که این قانون پس از تأیید شورای نگهبان به قانون لازم الاجرا تبدیل شده و شورای نگهبان نیز وظیفه سنجش مصوبات تقنینی و بررسی انطباق یا عدم انطباق این مصوبات با احکام شرعی را دارد و ۶ نفر از اعضای این شورا نیز فقهای منصوب مقام رهبری هستند، بنابراین، از حیث فقهی، رویکرد تمسک به جایگزین های مجازات، مقبولیت و مشروعیت لازم را دارد و گر نه دلیلی بر تصویب این مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود نداشت.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، رویکرد خانواده محور بر فرآیند تقنین، صدور و اجرای حکم حبس مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در واقع، مسأله اصلی در این پژوهش، آن بود که فرآیند تقنین، صدور و اجرای حکم حبس، چه تأثیراتی می تواند از خانواده محکوم علیه بگیرد و در عین حال، صدور و اجرای حکم حبس، چه آثاری می تواند بر خانواده محکوم علیه به بار آورد؟ در واقع، در این پژوهش، بر روی این موضوع بحث شد که اساساً جایگاه نهاد خانواده فرد مرتکب جرم در صدور و اجرای حکم حبس نسبت به وی چیست؟

در پاسخ، سعی شد رویکردهای مختلف در مورد مجازات حبس هم در حقوق کیفری و هم در مباحث فقهی مورد بحث قرار گیرد. همچنین، رویکردها و گرایش های مخالف حبس گرایی و موافق حبس زدایی و استفاده از جایگزین های حبس نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. مشخص شد که یکی از مهم ترین دلایلی که موافقان حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین حبس ارائه کرده اند، تأثیرات مخرب و ناگواری است که صدور و اجرای حکم حبس نسبت به خانواده فرد محکوم علیه به دنبال دارد. این مجازات، به ویژه می تواند روابط و پیوندها و علقه های عاطفی و روانی میان فرد بزهکار و اعضای خانواده وی را دچار معضلات مهم و آشکار نماید و به ویژه در فرضی که سرپرست خانواده، محکوم به حبس شده است، او را از نعمت خانواده و متقابلاً خانواده وی را از نعمت او محروم سازد. این امر، علاوه بر مشکلات معیشتی و اقتصادی، می تواند معضلات عاطفی و روانی نیز برای هر دو طرف به همراه داشته باشد.

با توجه به اینکه اقداماتی مفید و موثری در نظام تقنینی با تصویب قانون مجازات در سال ۱۳۹۲ و همچنین تصویب آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات که به جایگزین های حبس اشاره دارد، صورت گرفته است، اما باز هم اشکالاتی برای اجرای کامل این قوانین وجود دارد. بنابراین بنظر می رسد قانونگذار در مرحله تدوین قوانین

مجازات‌ها را تعیین کند که متناسب با جرایم و فرد مرتکب باشد و به طور کلی جرم‌ها بوده باشند و در واقع کیفر حبس را جز در موارد ضروری که مفید واقع می‌شود تعیین نکند. و از طرف دیگر ضروری است مجمع تشخیص مصلحت نظام بر این امر و تطابق با سیاست‌های کلی نظام نظارت داشته باشد. تا در نتیجه نظام تقنینی حبس زدایی بیشتر و اصلاح مجرمان متناسب با جرم‌شان را، رقم بزند.

به هر حال، به نظر می‌رسد موارد استفاده از کیفر حبس، باید به حداقل برسد. در عین حال، در مواردی که این مجازات مورد حکم محاکم قرار می‌گیرد نیز باید به ویژه جنبه‌های خانوادگی مقوله مورد ملاحظه دادگاه‌ها قرار گیرد. قضات کشور باید آموزش لازم را دیده باشند تا در صورت تصمیم به تعیین و اجرای مجازات حبس در مورد محکوم علیه، وضعیت خانوادگی وی را بیش و پیش از هر مولفه دیگری مد نظر قرار دهند و سعی کنند با تصمیم به اجرای راهکارها و سازوکارهای جایگزین، ترجیحاً ارتباط فرد با اعضای خانواده اش، حفظ شود و در عین حال، مجازات جرم ارتكابی نیز نسبت به محکوم علیه به اجرا درآید. به نظر می‌رسد اجرای حبس خانگی، یکی از مهم‌ترین سازوکارها در این زمینه باشد. این سازوکار می‌تواند از یک سو، کارکردهای حبس را در بر داشته باشد و از سوی دیگر، ارتباط محکوم علیه با خانواده اش همچنان محفوظ بماند

منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۹۴). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر میزان، چاپ بیستم.
- بهره مند، حمید. (۱۳۹۶). سیاست حبس زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ۲۶.
- جعفری، سیدمحمد و دیگران. (۱۳۹۶). حبس در اندیشه اسلامی و حقوق کیفری مدرن، انتشارات بهنامی، چاپ سوم.
- دهدارزاده، فاطمه، مرادی، محمدحسن. (۱۳۹۹). بررسی شیوه‌های جایگزین حبس، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز
- داچک، هادی. (۱۳۹۹). مجازات‌های جایگزین حبس و تاثیر آن بر کاهش جمعیت کیفری زندان، ماهنامه پژوهش ملل، ۵ (۵۴).
- سنگلجی، محمد. (۱۳۸۱). آیین دادرسی در اسلام، به کوشش محمدرضا بندرچی، انتشارات طه، چاپ دوم.
- شاکری، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی، انتشارات بهنامی، چاپ اول.
- صفاری، علی، (۱۳۹۱)، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل.
- طیبسی، نجم‌الدین (۱۴۲۷)، زندان و تبعید در اسلام، ترجمه سیدمحمدرضا حسینی و مصطفی شفیعی، قم، صفحه‌نگار.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۷). فقه کیفری اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.

غلامی، حسین، داوود خاکسار. (۱۳۹۸). عوامل موثر بر صدور جایگزین های حبس، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۷.

غلامی، حمید. (۱۴۰۰). قابلیت اجرای مجازاتهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی، اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی

گودرزی بروجردی، محمدرضا و عباس جوانفر، ۱۳۸۲. نارسایی های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۳ (۹ و ۱۰).

نجم سهیلی، فاطمه. (۱۳۹۹). مجازات جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران، دوفصلنامه تحقیقات حقوق قضایی، ۱ (۲).

وائلی، احمد. (۱۳۷۸). احکام زندان، ترجمه محمدحسن بکائی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.

هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۱). کیفر حبس و حبس زدایی، پیشگفتار در: مجموعه مقالات همایش ملی حبس زدایی در نظام حقوق کیفری ایران، انتشارات میزان، چاپ اول.

. Oxford University Press, Critical Criminology, 2011, Dignan, Dekeseredy

Oxford University Press., Critical Criminology, 2009, F, Coyle

A.D.M. Publication., 2013, Critical Criminology, Edwin, Richards

Oxford University Press., Detention, Austin, J, Hardyman, P, 2002, Irwin

A.D.M. Publication., 2003, Convection Criminology, Josef, Ross